

اکرم پند کی ارزین و این برنج و مس آنچه آید معدن
 ز سلطان ملوک و از کاخ بزر شو احوال نیکوتر زمان
 بیاید قوت و نای فزاید درین خواب بجهانی تو بیاید
 جو جو خوراد پده در خواب بپسین تو کشته از گمانان پاک میدان
 و سر عزم کفر خواهد کردیدین که باشد باز در خانه رسیدن
 جو در بیدار بلر طر و ز محشر بود بهم سیاست از ستم
 به خواب از سر ترا پیشه بکنید فند در خانه با اهلت جدید
 اکرم پند کی در خواب بکنی اکرم تیر مکان خود ز روی
 و که که زود که بی زره بوش و که خایسک این تو بشنوی
 ز سلطان و اکابرینا و کردی بکبیر و قوت آباد کردی
 اکرم بی تو و عوید و جملوت خند میکنی و کند نه میت و خست

اکرم تو با دوش را خواب بینی از و خشنود کردی و کردی
 و که پینه که خندان سلطان بیاید عسرت و بپاسان
 اکرم نه کم لطافت میناید و ز و محروم کرد و صدقه مید
 به خواب رویده رها دویم و که از مردمان کنت سالم
 ز تو فیصل جهان ظاهر شود که به تو بکنت می خواهد فرود
 به خواب ار مرده زنده بند زانده خان ایمن نشیند غنا
 کرم مرده و بدو خواب حتمی ز غیبت کام دل کجی خیزد
 اکرم کرده باشی یا بی آنرا عیان کردم بتو ز نهان آید
 و کرم مرده ز کس خبری بجواید بیاید صدقه دادن و رنجه کاید
 که کرم مرده

دیدن
 دیدن
 دیدن
 دیدن
 دیدن
 دیدن
 دیدن
 دیدن

Copyright © King Saud University